



در خواست قصاص برای عروس خطاکار

■ جلال مهرگان

زنی که متهم است با همدستی مردی جوان، شوهرش را به قتل رسانده یا در خواست قصاص از سوسو مادر مقتول مواجه شد.

یک سال قبل زنی میانسال به مأموران پلیس تهران خبر داد که پسر ۲۷ ساله‌اش نادر گم شده‌است، او گفت چند ماهی است که از پسرم خبر ندارم، او چند سال قبل با دختری به نام نادیا ازدواج کرد و صاحب دختری خردسال هستند. از چند ماه قبل هر چه با گوشی تلفن همراه پسرم تماس می‌گیرم، تلفنش خاموش است. وقتی سراغش را از عروسم گرفتم، مدعی شد که نادر به کشور امارات رفته‌است و به زودی بر می‌گردد. او در این مدت من را به این بهانه فریب داده‌است و فکر می‌کنم که او از ماجرای گم شدن نادر خبر دارد و چیزی را از ما پنهان می‌کند.

بعد از مطرح شدن شکایت، مأموران پلیس در این‌باره تحقیق کردند. مأموران در اولین گام از دختر خردسال نادر تحقیق کردند. او گفت مادرش با همدستی مردی به نام سعید پدرش را به قتل رسانده و جسدش را از خانه بیرون برده‌اند. او توضیح داد: روز حادثه من همراه مادرم و سعید به پارک رفتم. مادرم و سعید با هم حرف زدند و بعد که به خانه رفتم، پدرم خواب بود. سعید و مادرم دهان پدرم را با چسب بستند و بعد مادرم دست‌هایش را به دور گردن پدرم فشار داد. آنها سپس جسد پدرم را با ویلچر از خانه بیرون بردند و سوار خودرو کردند. من هم همراهشان بودم که به بیپان رفتم و جسد را آنجا رها کردند. مادرم در این مدت من را ترسانند و گفت نباید در این‌باره با کسی حرف بزنم.

بعد از اطلاعاتی که کودک خردسال در اختیار پلیس گذاشت، مأموران پلیس به سراغ نادیا و سعید رفتند که آنها به قتل اعتراف کردند. سعید در بازجویی‌ها گفت من فعال فضای مجازی هستم و نادیا با شوهرش نادر در اینستاگرام آشنا و متوجه شدم آنها هم فعال مجازی هستند. وقتی با نادیا حرف زد، فهمیدم از شوهرش گولایه دارد. او گفت که شوهرش او و دخترش را کتک می‌زند و از من خواست او را تنبیه کنم. روز حادثه هم به خانه‌اش رفتم و با کمک نادیا مرتکب قتل شدم. نادیا هم وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، حرف‌های سعید را تأیید کرد.

با کامل شدن بررسی‌های بازپرس سعید را به اتهام مباشرت در قتل نادیا را به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخت و پرونده برای بررسی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. در جلسه رسیدگی به پرونده در حالی که مادر مقتول برای عروشی در خواست قصاص کرده‌بود، سعید در جایگاه حاضر شد و اتهام را به گردن نادیا نداشت. او گفت: نادیا به من گفته‌بود که شوهرش او را اذیت می‌کند. با نقشه‌ای که طراحی کرده‌بود، قرار بود نادر را تنبیه کند. من روز حادثه که به خانه‌اش رفتم، او با خوردن قرص شوهرش را بیهوش کرده‌بود. ما لیبس زلانه به نادر پوشانیدیم و از او عکس گرفتیم. ما نادیا بتواناد با تهدید کردنش وی را مجبور کند او را کتک زند. ما در حال گرفتن فیلم بودیم که ناگهان نادر بیدار شد. آنجا بود که نادیا دست به چاقو شد و شوهرش را کشت.

در ادامه نادیا در جایگاه حاضر شد و او هم اتهام قتل را به گردن سعید نداشت. او گفت: ما در حال پوشاندن لیبس زلانه به شوهرم بودیم که ناگهان نادر بیدار شد. بعد سعید دست به چاقو شد و با هم درگیر شدیم

که در جریان درگیری شوهر را به قتل رساندم. من هم در انتقال جسد به او کمک کردم. همیت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهمان وارد شور شد.

شلیک گلوله جان کودک ۳ ساله را گرفت

عامل اصلی قتل کودک سه ساله زاهدانی بازداشت شد.

سردار دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: مأموران پلیس از حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند.

در جریان بررسی‌ها معلوم شد در جریان تیراندازی به سمت ساختمان مسکونی کودک سه ساله هدف گلوله قرار گرفته و جان باخته‌است. سردار جلیلیان گفت: مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود موفق شدند عامل حادثه را شناسایی و بازداشت کنند.

متهم هفت مدتی قبل در جریان مراسم عروسی با پدر کودک اختلاف پیدا کرده‌بود و به خاطر کینه‌ای که از او داشت به سمت خانه‌اش تیراندازی کرد. بررسی‌های بیشتر در جریان است.

بازداشت قاتل فراری پس از ۶ سال

مردی که از شش سال قبل به اتهام قتل در کرمانشاه تحت تعقیب قرار او داشت، سر انجام بازداشت شد.

سرهنگ علی کریمی، رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه گفت: مهر ماه سال ۱۳۹۶ بود که مأموران پلیس از قتل مردی ۵۰ ساله در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مقتول با چاقو هدف قرار گرفته و به کام مرگ رفته‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌ها نشان داد عامل قتل مردی ۳۵ ساله است که بعد از حادثه از خانه‌اش متواری شده‌بود.

در حالی که تحقیقات برای بازداشت متهم با بست پیست مواجه شده‌بود، مشخص شد متهم با اسم مستعار در یکی از شهرهای مرکزی به زندگی ادامه می‌دهد که مأموران او را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت مقتول با تیراندازی به سمت پدرم باعث معلولیت او شده‌بود که تحقیقات بیشتر از متهم جریان دارد.

■ آرمین بینا

۱۰ عضو باند سارقان منزل وقتی پنج کیلو طلای سرقتی را برای فروش در سایت دیوار آگهی دادند از سوسو صاحب طلافروشی شناسایی شدند و به دام افتادند. سارقان در بازجویی‌ها مدعی شدند در یکی از سرقت‌ها در دام دو مأمور نسا گرفتار شده و برای رهایی ۶۰ سکه به آنها بیاج داده‌اند.

اوایل زمستان سال گذشته به مأموران پلیس تهران خبر رسید چندسارق مسلح به سلاح سرد به خانه‌ای در یکی از خیابان‌های شمالی تهران دستبرد زده و پس از بستن دست و پای صاحبخانه و همسرش مقدار زیادی طلا و جواهرات سرقت کرده و از محل گریخت‌اند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه رفتند و صاحبخانه با طرح شکایتی گفت: «نیمه شب در خانه خواب بودیم که ناگهان متوجه شدم چند مرد نقابدار بالای سرمان ایستاده‌اند. در حالی که شوکه شده بودم و من و همه طلاها، بود آنها تهدید کردند هیچ حرکتی انجام ندهیم و ما هم از ترس سکوت کردیم. آنها دست و پای ما را با طناب بستند و پس از آن کلید و رمز گاوصندوق را از من گرفتند و به سراغ آن رفتند و همه طلاها، جواهرات، سکه‌ها و پول‌های خارج‌ام را که بیش از چند میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت کردند. سارقان خشن بدون اینکه دست و پای ما را باز کنند از خانه بیرون رفتند و من به سستی دست و پای خودم و همسرم را باز کردم و به پلیس خبر دادم.»

■ کیلو طلا

باشکایت مرد پولدار، پرونده به دستور قاضی محمد ولدیییراوند، بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی سارقان در اختیار تیمی از

حجوات

سرویس حوادث ۶۰-۸۵۳۳



فروش طلای سرقتی در دیوار سارقان را به دام انداخت

کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و مأموران با شکایت‌های مشابه و متعدد دیگری روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت سارقان هر چند شب به خانه‌ای در یکی از مناطق تهران دستبرد می‌زنند و طلا و جواهرات، سکه و پول سرقت می‌کنند. همچنین مشخص شد سارقان حرفه‌ای هستند و در تمامی سرقت‌ها نقاب به صورت دارند و هیچ ردی از خود به جا نگذاشته‌اند. در حالی که روز روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، یکی از شاکیان به اداره پلیس رفت و ردی از سارقان در اختیار مأموران قرار داد. وی گفت: «من طلافروشم، مدتی قبل که همراه خانواده‌ام به مسافرت رفته بودم و وقتی به تهران برگشتم، دیدم سارقانی به خانه‌ام دستبرد زده‌اند و پنج کیلو طلای دست‌سازم را سرقت کرده‌اند. شکایت کردم، اما ردی از سارقان پیدا نشد تا اینکه امروز در سایت دیوار دیدم چند قطعه طلا به فروش گذاشته‌شده که شباهت زیادی به طلاهای سرقت شده من داشتند. طلاهای من خاص و دست‌ساز بودند نمونه آن در بازار نیست، به همین دلیل من طلاها هم را شناختم.»

■ ۱۰سارق حرفه‌ای

بدین ترتیب مأموران سرخ به دست آمده را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند فروشنده یکی از اعضای باند سارقان منزل است. سپس مأموران با فرورنده صوری گذاشتند و وی را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها اعتراف و عضو دیوار باند را به پلیس معرفی کرد. با اعتراف متهم، مأموران متهمان را یک به یک دستگیر کردند. مأموران همچنین در ادامه دو مرد مأمور نما را هم که از سارقان اخاذی کرده بودند، بازداشت کردند. متهمان پس از اعتراف

به جرمشان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

■ دام مأمورنما

سردسته باند مرد جوانی به نام آرام‌است. او مثل دیگر اعضای باند چند سابقه سرقت در پرونده‌اش ثبت شده و مدعی است به خاطر هوش بالایی که دارد، سردسته باند شده و نقشه‌های سرقت را بدون هیچ اشتباهی طراحی می‌کند. اما یکبار دو مأمورنما و را فریب داده و از او ۶۰ سکه اخاذی کرده‌اند.

■ گفت‌وگو

آر سام سابقه داری؟

بله، من چند باری به اتهام سرقت منزل دستگیر شدم و آخرین بار هم یک سال قبل از زندان آزاد شدم و همراه دوستانم باند سرقت تشکیل دادم.

■ دوستانت هم سابقه‌دار هستند؟

بله، ما در زندان با هم آشنا شدیم و آنها از من خواستند وقتی آزاد شدم به عنوان سردسته، باند را تشکیل بدهم و سرقت کنیم.

■ چرا شما؟

من با سابقه‌تر از آنها هستم، از طرفی هم به قول دوستانم باهوشم و نقشه‌ها را خوب طراحی می‌کنم، به همین خاطر از من خواستند باند را اداره کنم. البته من سهم بیشتری از آنها گیرم نمی‌آمد.

■ اعتراضات گفته بودی یک‌بار فریب دو مأمورنما را خورده بودی؟

بله، من ادعای کنم باهوشم، اما باهوش تر از من هم هستند. یک‌بار فریب دو مأمورنما را خوردم و ۶۰ سکه را از دست دادم.

■ توضیح می‌دهی؟

همراه دوستانم به سرقت رفته بودیم. نیمه شب بود و پس از سرقت حدود پنج کیلو طلا

از دیوار خانه‌ای خودمان را پایین انداختیم و می‌خواستیم سوار خودرویمان شویم و از محل برویم که خودرویی با دو سرنشین راه ما را سد کرد. دو مرد جوان خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند و گفتند فهمیده‌اند ما سارق هستیم و الان هم اموال خانه‌ای را سرقت کرده‌ایم، او ما را بیاج خواستند. آنها داخل خودرویشان چراغ گردان و خودشان هم بی سیم داشتند، به همین دلیل فریشان را خورديم، وگرنه ما شش نفر بودیم و آنها دو نفر بودند و حریف ما نمی‌شدند. به هر حال من ۶۰سکه طلای سرقتی را به آنها دادم.

■ از کجا متوجه شدی که مأمورنما بودند؟

قرار شد آنها هوای ما را در سرقت‌ها داشته باشند و ما هم سهم آنها را بدهیم. پس از این‌ها هر وقت به سرقت می‌رفتم، تلفنی به آنها خبر می‌دادم که هوای ما را داشته باشند ما با خیال راحت سرقت می‌کردیم به امید اینکه دو مأمور پلیس از ما محافظت می‌کنند. اما در یکی از سرقت‌ها مأموران از راه رسیدند و ما را تعقیب کردند. البته موفق به دستگیری ما نشدند و همان شب فهمیدم آن دو مرد، مأمور قلابی بودند و ما را فریب دادند. الان هم که دستگیر شدیم و موضوع اخاذی ۶۰ سکه را به باز پرس گفتم، او دستور بازداشت دو مرد را داد و وقتی دستگیر شدند اعتراف کردند که مأمور قلابی بودند.

■ درباره سرقت‌ها توضیح بده؟

معمولاً خانه‌های افراد پولدار را شناسایی می‌کردیم و وقتی آنها به میهمانی و مسافرت می‌رفتند در تیم‌های شش یا پنج نفره شبانه با نقاب وارد خانه می‌شدیم و فقط هم طلا و پول نقد از داخل گاوصندوق سرقت می‌کردیم.

ازدواج

حسین فصیحی

چرا تخلف نباید عادی شود

عادی شدن تخلف و جرم در جامعه اتفاق است که در حال نهاده‌ینه شدن است. تخلف‌های عیان در حوزه راهنمایی و رانندگی بدیهی‌ترین اتفاقی است که در حضور پلیس هم رقم می‌خورد، اما به آن توجه نمی‌شود. بروز تخلف در حوزه رانندگی انقدر زیاد است که دیگر به چشم کاربران ترافیک نمی‌آید و زمانی که دیگر تخلف به چشم نیاید معنی‌اش این است که تخلف به امری عادی تبدیل شده که می‌توان به راحتی از کنارش گذشت، اما کسی در این مقطع به پیامدهایی که این اتفاق نامیمون به دنبال خود دارد، توجه نمی‌کند. همه کاربران ترافیک شاهدند در حالی که پلیس کف خیابان حضور دارد، موتورهای متخلف از در و دیوار عبور می‌کنند و پلیس هم چاره‌ای جز تماشا ندارد. وقتی مالباختگانی برای شکایت راهی کلانتری می‌شود و به جای رسیدن به محش مدام سنگ‌قلاب می‌شود، متوجه خواهد شد که سرقت، کلاهبرداری یا هر جرم دیگری چقدر در جامعه عادی شده، به‌طوری‌که گوش پلیس از شنیدن گلیایه و شکایت‌ها سنگین شده‌است، یا وقتی شهروندی پایش به ادارای خدماتی یا درمانی باز و مجبور می‌شود برای رتق و فتق امور خود مدام رشوه بدهد، روشن می‌شود ندادن رشوه مثل شنا کردن خلاف جهت آب است که هم خودش را خسته می‌کند و هم زمانی که خسته شد با جریان آب می‌رود. اگر کسی تصمیم بگیرد که کلاقیدر فتن به کف جامعه را بزند و بخواهد خودش را در خانه حصر کند و به شنیدن و دیدن خبرهایی که مدام منتشر می‌شود بسنده کند با شنیدن خبرهایی مثل اختلاس و تخلف‌های بزرگ‌تر می‌فهمد که عادی شدن تخلف و جرم در حوزه کلان هم عادی شده‌است. اگر وضعیت موجود را با سه دهه قبل مقایسه ذهنی کنیم، متوجه می‌شویم فضایی که در آن تنفس می‌کنیم چقدر مسموم‌تر از گذشته شده است. مثل آلودگی هوا که با تراکم جمعیت و افزایش خودروها در حال گرفتن جان شهروندان است و عادی شدن این تخلف‌ها و جرم‌ها هم در حال زایل کردن روان جامعه‌است. در چنین وضعیتی روشن می‌شود قانون فصل الخطاب جامعه نیست. که در چنین فضایی امکان عبور از قانون به گونه‌ای فراهم می‌شود که مجریان قانون دست‌شان به گرفتن رشوه آلوده و اینگونه فضای عمومی جامعه نسوز می‌شود.



برخی نوجوانان با تأثیر از شبکه‌های اجتماعی مجرم می‌شوند

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران گفت، برخی نوجوانان با تأثیر پذیری از شبکه‌های اجتماعی اقدام به تشکیل باندهای مجرمانه و تهیه سلاح سرد و گرم می‌کنند.

سرهنگ مرتضی نثاری در مورد آسیب‌شناسی جرائم خشن و زورگیری گفت: تعدادی از مجرمان افراد سابقه‌داری هستند که به طمع ربودن مال افراد دست به جرم خشن و هنجار شکنانه می‌زنند. همچنین برخی مجرمین نیز به خاطر عادت، به دفاع و کرات مرتکب جرم و هر بار با شیوه‌ها و روش‌های جدید وارد جامعه می‌شوند.

وی با تأکید بر اینکه عدم تناسب میزان مجازات‌ها یکی از دلایل بازگشت مجرمین به جرمه جرم در جامعه است، افزود: متأسفانه مجازات در حوزه جرائم خشن از بازاردنگی کافی برخوردار نیست و هدف این مجازات‌ها اصلاح و بازپروری است که محقق نشده و متأسفانه در آثار این مجرمان بارها و به دفعات اقدام به ارتکاب جرائم خشن مشاهده می‌شود.

وی با بیان اینکه همیشه پلیس پیشگیری را مقدم بر درمان می‌داند، ادامه داد: مهم‌ترین ترک پیشگیری، پیشگیری اجتماعی است که طی آن آگاهی‌بخشی‌های اجتماعی در مورد سرقت‌ها انجام می‌گیرد. سرهنگ نثاری ادامه داد: هدف دیگر پیشگیری وضعی است که طی آن شهروندان وضعیتی به وجود آورند که طعمه سارقان نشوند، مانند تجهیز طلافروشی‌ها به شیشه‌های ضدضربه و ضدگلوله و دوربین مدارسته که مانع از تکاب به سرقت است.

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران گفت: تهران با شرایطی چون جمعیت ۱۳ میلیونی، جمعیت ۳ میلیون نفری، وجود ۳۵۰ هزار اتباع خارجی و تردد روزانه بالای ۸ میلیون خودرو و موتورسیکلت حاضر ۵۵۰صد جرمی که در پایتخت رخ می‌دهد، شهر سرد است. وی ادامه داد: تهران در بخش پیشگیری، کنترل و مقابله با جرائم خشن و مسائله‌ها با تلاش و همدلی دستگاه‌ها رتبه و جایگاه خوبی دارد. و در بحث جرائم خشن، ۲۷ دستگاه تکلیف قانونی دارند که با توجه به وضعیت تهران وجود ۱۸ هزار تخانه، ۱۴۰ سفارتخانه و موسسات متعدد اگر این دستگاه‌ها پای کار بایند و به تکلیف خود در حوزه پیشگیری وضعی عمل کنند در پیشگیری اجتماعی و وضعی موفق خواهیم بود.

سرهنگ نثاری گفت: در مورد پیشگیری، کنترل و مقابله با جرائم خشن، وزارت صمت ۱۱ تکلیف، وزارت راه و شهرسازی ۹ تکلیف، وزارت نیرو ۹ تکلیف، صداوسیما هفت تکلیف، شهرداری ۱۱ تکلیف و سازمان بهزیستی سه تکلیف برعهده دارند.

نثاری در خاتمه به شهروندان توصیه کرد، در زمان وقوع زورگیری خونریزی خود را حفظ کنند و به جای درگیری با زورگیران نسبت به برداشتن شماره پلاک خودرو یا موتورسیکلت آنها اقدام و جهت شناسایی زورگیران روی به خاطر مسردن چهره، لپچه و لباس آنها تمرکز کنند.

مفقودی

برگ سبز خودرو و سمند L۷ مدل ۱۳۸۷ رنگ خاکستری متالیک شماره پلاک (ایران ۱۵ – ۶۷۳ س ۹۵) به شماره موتور ۷۴۵۹-۱۲۴۸۷۰۰۴AE۴F۱۰۳۶۲ و شماره شاسی NAACA۱CB۹۸F۲۰۰۰۸۵ متعلق به پریسا امیر فریدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز خودرو کامیونت سقف چادری هیوندای کروس دی ۴ مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۵۱ – ۳۳۲ ع ۳۹) به شماره موتور ۲۰۴AE۴F۱۰۳۶۲ و شماره شاسی ۳۷۹۱۱۷۸۳۰۰۲۴۸۹ متعلق به میلاد شهبازیان مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره موتور ۲۹۰۵۷۲۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۲۴۷۶۱۳ با شماره انتظامی ۲۷۸ ۱۱۷ ایران ۵۵ بنام سعید نجمی کلوانق مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
اسلامشهر